



گفت‌وگوی «وطن امروز» با حجت‌الاسلام سیدمنذر حکیم، پژوهشگر تاریخ اسلام درباره محوریت قیام امام حسین (ع) در حرکت کلی اهل بیت (ع)

حماسه عاشورا، قلب انسان ۲۵۰ ساله

ایشان صدیق: یک از مسائلی که در بین تشیع و اهل سنت از مشترکات قطعی به حساب می‌آید، عظمت مقام و منزلت امام حسین (ع) است. روایات متعددی در منابع حدیثی شیعه و سنی مبنی سفارشات موکد نبی اکرم (ص) درباره احترام و بزرگداشت امام حسین (ع) موجود است. این سفارشات محدود به شخص نبی گرامی اسلام نمی‌شود، بلکه پس از ایشان تمام ائمه اطهار (ع) تأکید ویژه‌ای بر بزرگداشت سیدالشهدا (ع) و مجلس عزای ایشان داشتند. از مجموع این قرآن متوجه می‌شویم قیام و شهادت حضرت اباعبدالله‌الحسین (ع) در حرکت کلی اهل بیت (ع) به نوعی دارای محوریت و مرکزیت است و شیعه نیز به پیروی از ائمه خود باید نقشی محوری و اصلی برای قیام عاشورا قائل باشد. همان گونه که حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای بارها تأکید داشتند: «زندگی ائمه اطهار را که ۲۵۰ سال طول کشیده، زندگی یک انسان به حساب بیایم. یک انسان ۲۵۰ ساله. از هم جدا نیستند، کلهم نور واحد». باید قیام عاشورا را به قلب این انسان ۲۵۰ ساله تشبیه کرد. در گفت‌وگویی با حجت‌الاسلام والمسلمین سید منذر حکیم، پژوهشگر تاریخ اهل بیت و صاحب کتاب ارزشمند «پیشوایان هدایت» به بررسی محوریت قیام سیدالشهدا (ع) در حرکت کلی اهل بیت (ع) پرداختیم.

جناب آقای حکیم! جایگاه حضرت امام حسین (ع) نزد رسول عظیم‌الشان اسلام کجاست و رفتار حضرت رسول نسبت به سیدالشهدا چگونه بوده است؟
 روایات فراوانی از رسول خدا صلی‌الله علیه و آله درباره حسین علیه‌السلام وارد شده که حاکی از جایگاه برجسته ایشان در دنیای رسالت و امت است و در اینجا جهت آگاهی به مقام و منزلت والای ایشان، نمونه‌هایی را خدمت‌تان عرض می‌کنم. پیامبر گرامی اسلام در روایتی فرمودند: آنکه دوستدار حسن و حسین باشد، من او را دوست دارم و هر که را من دوستدار شوم، خدا او را دوست دارد و هر کس را خدای عزوجل دوست داشته باشد، او را وارد بهشت می‌گرداند و کسی که با حسن و حسین دشمنی کند، من با او دشمنی می‌کنم و هر که را من با او دشمنی کنم، خدا او را دشمن دارد و کسی که خدا با او دشمنی کند، وی را در آتش دوزخ جاودان می‌کند. در حدیث دیگری حضرت رسول فرمودند: «الحسن و الحسین خیر اهل الأرض بعدی و بعد ایهما، و آنها افضل نساء اهل الارض». حسن و حسین پس از من و پدرشان، برجسته‌ترین ساکنان روی زمین‌اند و مادر گرامی آنها والاترین بانوان روی زمین به شمار می‌آید. پیامبر اکرم (ص) برای گریه امام حسین علیه‌السلام متأثر می‌شد و او را در بیداری و خواب نوازش می‌کرد و به مادر یا کاندمنش فاطمه علیها‌السلام سفارش می‌فرمود فرزند جسته و دلبنده را غرق مهر و عشق و محبت کند. آنکه که حسین علیه‌السلام راه رفتن آموخت و به آمدن خود پرداخت، نبی اکرم کوشید با توجه دادن مردم به ایشان فضای لازم را مهیا کند تا امت، جانشینی فرزند پیامبر را بر خود پذیرا شوند. بارها اتفاق می‌افتاد رسول اکرم (ص) سجده نماز خود را بدان سبب که حسین بر پشت ایشان سوار بود، طولانی می‌کرد تا بدین وسیله مراتب علاقه و محبت و نیز مقام و منزلت ایشان را به مسلمانان بنمایاند و چه بسیار اتفاقی می‌افتاد که پیامبر خدا (ص) شتابان سخنان خویش را قطع می‌کرد و فرزند دلبندهش را که به سمت ایشان می‌آمد و گاهی می‌غزید و به زمین می‌خورد، دربر می‌گرفت و با

زمان بنی‌امیه و بن‌العباس بودند تولید می‌کند؛ علمایی که علم و آگاهی داشتند اما علم و آگاهی آنان در حدی نبود که اسلام خالص را پیش ببرند و در حد حفظ اقتدار و دنیای خود حرکت می‌کردند. ۲ مسیر بود: یک مسیر به خاندان منتهی می‌شد و دیگری از خاندان ناگاهانه یا آگاهانه دور می‌کرد. اینجاست که پیامبر خاتم (ص) علاج چنین درد مزمن و زمانبری را در این می‌دید که باید تحول از درون این جامعه به وجود بیاید و بوجد، لذا می‌بینیم که به امیرالمومنین علی (ع) توصیه صبر و تحمل می‌کند. همین‌طور امام حسن (ع) را می‌بینیم که برای حفظ سنت پیامبر (ص) و جلوگیری از مسخ این سنت توسط خلفا، قدرت را به معاویه می‌دهد تا معاویه خود و نیاثت پدید خود را بخوبی به مردم نشان دهد و مردم تناقض‌ها و پارادوکس‌های او در عقیده و رفتار و کردارش ببینند. به عبارتی امام حسن (ع) بر حفظ سنت پیامبر متمرکز می‌شود تا اینکه به دوران امام حسین (ع) می‌رسیم.

اگر امام حسین (ع) برای مقابله با جریان معاند اسلام که در بنی‌امیه تبلور یافت، چه بود؟ چرا این حرکت امام حسین (ص) به نوعی تبدیل به محور حرکت ائمه اطهار و شیعیان ایشان شد؟

دوران امام حسین (ع) دورانی است که مردم بعد از دین حکومت امام علی (ع) و امام حسن (ع) و آمن معاویه و رو شدن اشتباهات بسیار بزرگ و قدرت‌طلبی معاویه، متوجه می‌شوند اهل‌بیت با غیر اهل‌بیت چه تفاوت فاحش و جدی‌ای دارند، لذا حول محور اهل‌بیت حرکت می‌کنند. فرزند قیام امام حسین عرض کرد «فلوهم معک و سوفهم علیک»؛ اینها از لحاظ اینکه دوستانتان دارند و شما را اصل و امام قرار می‌دهند یا شما هستند ولی شمشیرهای‌شان به دلیل اقتدار بنی‌امیه و ترس‌شان و ضعف اراده‌شان علیه شملت، بنابراین امام حسین (ع) باید این مشکل ضعف اراده را معالجه کند، لذا حضرت با بصیرت و آگاهی دادن و ایستادن در برابر انحرافات معاویه و عدم نقض صلح‌نامه تلاش کرد مردم را بیدار و اراده آنها برای مقابله با انحرافات بنی‌امیه را تقویت کند. بعد از آنکه معاویه بریزد را به جانشینی خود منصوب کرد، دیگر صلح‌نامه به صورت جدی و چندین مرتبه از طرف معاویه نقض شده بود. با شمشیر امام حسین (ع) و تخلفات معاویه و از همه مهم‌تر آوردن یزید به قدرت که دیگر هیچ حد و مرزی را نمی‌شناخت، امام حسین (ع) فرمود دیگر نمی‌توان سکوت کرد و باید ریشای برخورد کنیم و بنی‌امیه باید قلع و قمع شود. شهادت‌طلبی شاقول اصلی حرکت امام حسین (ع) بوده یعنی همان که پیامبر عظیم‌الشان فرموده بود: «یا حسین! ان لک فی الجنان لدرجۃ عالیة، ان تلالاها یا لالشهداء»؛ بخوای به آن جایگاه برسی، تنها راه آن شهادت است. باید اثبات کنی قربانی دین محمد (ص) هستی که دیگران هم الگو بگیرند و امام حسین (ع) هم الگو شد. تمام کسانی که در صحنه قیام عاشورا حاضر بودند و کسانی که بعد از عاشورا قیام کردند مثل توابین و حرکت مختار و قیام‌ها و حرکت‌های متعدد در زمان اهل‌بیت تا زمان امام رضاع) همه تحت تأثیر و ذیل الگوی امام حسین (ع) اتفاق افتاد.

بعد از شهادت امام حسین (ع) و یاران و اصحاب‌شان و اسارت اهل‌بیت مکرم‌شان، مردم جان گرفتند و حرکت ایشان الهام‌بخش بسیاری از جنبش‌ها به عیون طامان شد. اینکه می‌بینید اهل‌بیت عصمت و طهارت بیوسه سفارش کردند مسال کربلا و فضایل امام حسین (ع) را بازگو کنید و این مجالس بسیار بارزها را از دست ندهید، به همین دلیل است که بزرگداشت واقعه عاشورا بصیرت‌بخش و آگاهی‌بخش است و غیرت انسان و روحیه جهاد و پیکار در راه خدا را در انسان زنده می‌کند و به جوشش درمی‌آورد، لذا می‌بینیم اهل‌بیت (ع) محوریت را به حرکت امام حسین و عاشورا دادند و از طرفی هم مجالس عاشورایی در حقیقت روح جدید و زوایا به امت اسلامی می‌دیدم و می‌دمد. شما در قیام امام خمینی (ره) در ۱۵ خرداد تا پیروزی انقلاب و پس از پیروزی انقلاب می‌بینید که در تمام این جبهه‌ها، روح جوشان و خروشان امام حسین (ع) کار خود را دارد. انجام می‌دهد. در زمان قیام حضرت مهدی (ع) و در دولت امام زمان (عج) نیز این جوش و خروش را مشاهده خواهیم کرد که چگونه باعث تحول می‌شود، چرا که هم بصیرت و آگاهی و هم معنوی و تصمیم‌گیری و فداکاری و شهادت‌طلبی به انسان می‌دهد. اصل این است که وقتی دنیا در نگاه انسان کوچک شد و خدا و آخرت بزرگ شد، انسان است که انسان، کوچک را در راه بزرگ قدا می‌کند و دنیای فانی را به لذای بی‌پیمانی ترجیح می‌دهد. شهدای ما با این نگاه و چشم‌انداز حرکت کردند و خودشان متحول شدند و باعث تحول دیگران هم شدند و خواهند شد. حرکت امام حسین (ع) یک شاقول شد، چون همه مکارم اخلاق و عمق نگاه یان به خدا و انسان و ضرورت تحول و تکامل انسان در این جمع بود.

شده بود، باید متحول می‌شد. پیامبر حرکت خود را شروع کرد و افراد در پذیرش دعوت توحیدی خالص پیامبر (ص) متفاوت بودند، افرادی بویژه جوانان که آمادگی بیشتری داشتند، زودتر گرایش پیدا کردند. افرادی که سالم‌تر بودند و کمتر آن دغدغه‌های مشرکان را داشتند یا از پدیده‌های شرک‌آلود بیزار بودند و آن تناقض‌ها را می‌دیدند و آمادگی برای جدا شدن از محیط و فضا را داشتند، زودتر به پیامبر گرویدند ولی سردمداران مقتدر که به قدرت رسیده بودند و با این اعتقادات شرک‌آلود قدرت خود را حفظ کرده بودند، هرگز سر تسلیم در برابر پیامبر و دعوت توحیدی او فرود نیاوردند. علت این عناد هم مشخص است، چرا که باقی قبایل برای اینها هم هدیه می‌آوردند و هم آنها را به سروری قبول کرده بودند و خلاصه اقتدارشان بر پایه اعتقادات انحرافی بود. اینها می‌خواستند مرکز قدرت خود را حفظ کنند و با رسالت جهانی پیامبر اسلام (ص) وقتی همه معیارها تغییر می‌کرد، به طور طبیعی پایه‌های قدرت اینها فرو می‌پاشید، لذا اینها به مقاومت پرداختند. در مراحل اولیه سعی کردند خود پیامبر را منصرف و اصحاب و پیروان پیامبر را تضعیف و بیزار کنند، اینها را یکشنده، به مهاجرت مجبورشان کنند، حصار اقتصادی، سیاسی و اجتماعی آوردند و بالاخره موفق نشدند. آخرین نقشه‌شان کشتن پیامبر اکرم (ص) بود تا از این طریق غلظت را تمام کنند که موفق به این اقدام هم نشدند، چرا که شب هجرت پیامبر امام علی (ع) فداکاری کرد.

پس از تشکیل حکومت و به دست گرفتن قدرت توسط پیامبر (ص)، استراتژی و نقشه راه این جریان چگونه تغییر یافت و ایشان چگونه با این جریان مقابله کردند؟

پس از این مرحله پیامبر وارد مرحله جدیدی در مدینه شد و اهل بصره از پیامبر استقبال کردند و دولت جدید اسلامی تأسیس شد. پس از قدرت گرفتن پیامبر و همراهی مهاجرین و انصار، جنگ‌های بدر و احد و خندق و احزاب شروع شد. پس از این جنگ‌ها و دلایری‌های مسلمین، روزبه‌روز فریض احساس ضعف بیشتری کرد تا اینکه در جنگ احزاب به کلی مأیوس شد؛ از اینکه بر پیامبر مسلط شود. فریض به جای اینکه به دامن اسلام بیایند، بنا را بر صلح و آشتی با پیامبر گذاشتند تا اقتدار خود را تا حدودی بتوانند حفظ کنند. در تمام مآلند و تعدادی از قبایل با آنان همپیمان شدند و تعدادی هم با پیامبر، وقتی فتح مکه انجام شد، دیگر فریض احساس کرد حرف پیامبر نمی‌شود. پیامبر هم با دادن امان نامه به کسانی که در خانه اوسقافین وارد شدند، در حقیقت پرچم کفر را به زیر انداخت. عده‌ای به ظاهر مسلمان شدند ولی در درون به حرکت پیامبر اسلام کافر بودند؛ اینجا بود که حرکت نفاق بسیار نمود پیدا کرد؛ یعنی ظاهراً مسلمان بودند اما باطناً پیامبر را قبول نداشتند. پیامبر این را درک می‌کرد، لذا فرمود: من می‌بینم بوزینه‌های بنی‌امیه روی منبر من می‌قصدند. بنابراین پیامبر اسلام اولاً جزیره‌العرب را از شرک پاکسازی کرد هر چند که نیزه‌های مخالف در این جزیره حضور داشتند. اینها به تعبیری آتش زراکستری بودند و پیامبر می‌توانستند پیش‌بینی کنند که در آینده چه اتفاقی ممکن است رخ دهد.

رسالت پیامبر اسلام جهانی است و باید ملت‌های مختلف را متحول کند یعنی هدف بسیار بزرگ است و این دعوت تنها با نظریه فریض نبود، لذا حضرت فریض را به این ترتیب ساکت کرد و پرچم کفر را از آنان می‌گیرد. ممکن است نسل اول و دوم آنها مسلمانان انطور که باید و شاید نشوند اما باقی نسل‌ها در دامن امت اسلامی ممکن است که متحول شوند همان‌طور که در میان بنی‌امیه افرادی مانند معاویه دوم یا عمر بن عبدالعزیز از باقی بنی‌امیه متفاوت شدند و شاید تا الان هم برخی از افراد از نسل بنی‌امیه داریم که انسان‌های صالحی باشند. بنابراین پیامبر باید برای یک کار مهم‌تر و بزرگ‌تر برنامه‌ریزی کند و آن حفظ اسلام از آسیب بنی‌امیه است. حتی ممکن است اینها به قدرت برسند - که رسیدند - طرح فریض را اجرا کردند. طرح فریض این بود که حرکت پیامبر ادامه پیدا نکند. حال که نشد پیامبر را از بین ببرند، تمام تلاش خود را کردند تا آل پیامبر این قدرت را به دست نگیرند تا اسلام نبوی و محمدی به قدرت نرسد. گفتند ما مجری اسلام می‌شویم و اسلام را بخوبی اجرا می‌کنیم. در حد اجتهاد خود و همین کار را کردند و حرکت انحرافی در مسیر جامعه اسلامی به وجود آمد. مردم هم در این شرایط سکوت کردند، چون اسم اسلام بود و به تعبیر شهید صدر مردم فکر می‌کردند که اختلاف بین علی و ابوبکر یا اختلاف بین علی و معاویه یک اختلاف جزئی است اما متوجه نبودند و این بصیرت را نداشتند که این دو دیدگاه متفاوت نیست به اسلام است. یک دیدگاه الهی داریم و یک دیدگاه بشری ناقص و آمیخته با کلی از پیروان اسلام نبوی و محمدی سر از توحید خالص در می‌آورد و ابراهیم (ع) و حسین بن علی (ع) تولید می‌کند و آن اسلام مثل برخی علمای درباری را که در

خود بر فراز منبر می‌برد. امور یاد شده همه دلیلی بر جایگاه برجسته و نقش ارزنده آن بزرگوار در آینده‌امت، تلقی می‌شد. زمانی که رسول اکرم (ص) از بیماری رنج می‌برد و در آستانه احتضار قرار گرفته بود، امام حسین علیه‌السلام حضورشان شریف‌باد شد، وقتی چشم پیامبر به حسین (ع) افتاد، ایشان را در آغوش کشید و فرمود: مرا یا یزید چه کار! روز خوش نبیند. پس از گفتن این سخن مدتی طولانی هوش رفته، هنگامی که به هوش آمد، حسین (ع) را غرق بوسه کرد و از چشمان‌شان باران اشک جاری بود و می‌فرمود: «أنا لی و لقاتک موفا بین یدی الله عزوجل». من در پیشگاه خدای عزوجل با قاتل تو مخاصمه نخواهم کرد. در آخرین لحظات عمر شریف نبی اکرم (ص) امام حسن (ع) و امام حسین (ع) را چشمانی اشکبار خود را روی بدن مبارک رسول خدا افکندند و پیامبر آن دو را غرق بوسه کرد، پدر بزرگوارشان امیر مؤمنان علیه‌السلام خواست آن دو را از بدن مطهر رسول خدا (ص) دور کند که پیامبر اکرم (ص) راضی نشد و فرمود: آن دو را به خود واگذار از من توشه بگیرند و من نیز از آنان توشه برگیرم، زیرا دیری نمی‌پاید پس از من برای‌شان حوادث ناگوار رخ خواهد داد. سپس رو به عبادت‌کنندگان کرد و فرمود: «قد خلقت فیکم کتاب‌الله و عترتی اهل بیته فیالمضت لکتاب‌الله کالمضت لسنتی، و المضت لسنتی کالمضت لعترتی، آنها لسن یفترقا حتی یردا علی الحوض». کتاب الهی و عترت و اهل‌بیت خویش را میان‌تان به ودیعه نهادم، آن کس که از قرآن دست بردارد، عترتم را رها کرده است؛ این دو از یکدیگر جدایی‌ناپذیرند تا در کنار حوض کوثر بر من وارد شوند. بیسان این نکته هم در اینجا خالی از لطف نیست است مسلمانان در بیان هیچ موضوعی مانند فضایل اهل‌بیت علیه‌السلام و مقام برجسته علمی و معنوی آنان و بر خوردری آنها از مجموعه کلامی که خدا اراده فرمود بشریت بدان‌ها ارسته شود، تا این حد همسو و هماهنگ نبوده‌اند. این یکدلی و اتفاق نظر، به بخشی از اصول و

معرفی اجمالی مجموعه ۱۴ جلدی «پیشوایان هدایت» اثر استاد سید منذر حکیم

کتابی برای شناخت انسان ۲۵۰ ساله

است: «کلهم نور واحد. هر کدام از اینها که یک حرفی زدند، این حرف در حقیقت از زبان آن دیگران هم هست. هر کدام از اینها که یک کاری انجام دادند، این در حقیقت کار آن دیگران هم هست. یک انسانی که ۲۵۰ سال گویی عمر کرده است. تمام کارهای ائمه در طول این ۲۵۰ سال، کار یک انسان یا یک هدف، با یک نیت و با تاکتیک‌های مختلف است.» در هر جلد، ابتدا خلاصه‌ای چند صفحه‌ای از تاریخ زندگی هر معصوم و مهم‌ترین فراز و فرودهای تاریخی زندگی ایشان ارائه می‌شود. پس از آن، مخاطب در ۳ سطح مختلف که از اجمال به تفصیل می‌رود، فهم عمیق‌تری از زندگی و سیریه آن امام و شرایط تاریخی آن مقطع پیدا می‌کند. کتاب زمینه تاریخی دارد و پرداختن به مباحث کلامی یا فقهی و حدیثی متناسب با هر معصوم باعث نمی‌شود خط کلی خود را گم کند. کتاب وارد موشکافی‌های تاریخی خارج از حوصله مخاطب عام

که تحقق بخشیدن به آن زحمت علمی بسیار و همتی الهی می‌طلبید. حجت‌الاسلام سید منذر حکیم با همکاری تعدادی از پژوهشگران حوزه تاریخ اسلام پس از سال‌ها تتبع و تحقیق در سیره و تاریخ پیامبر و ائمه اطهار، مجموعه‌ای ۱۴ جلدی از زندگینامه معصومین علیه‌السلام تهیه کردند که تحت عنوان «علام الهدایه» یا «پیشوایان هدایت» در سال‌های اخیر به زینت طبع درآمد. هر جلد نسخه فارسی «پیشوایان هدایت» بین ۳۰۰ تا ۳۵۰ صفحه حجم دارد. این هم یکی از ایده‌های اولیه تألیف این کار بوده که برای هر کدام از ائمه یک حجم مطلب ارائه شود و همه مجلدات در ظاهری یکسان عرضه شود تا برای مخاطب این تداعی شود که اهل‌بیت علیه‌السلام نور واحدند و اگر هر کدام ایشان جای دیگری بودند، رفتار یکسانی داشتند. همان انسانی که به تعبیر رهبر حکیم انقلاب، گویی ۲۵۰ سال عمر کرده



بیان این نکته که تاریخ ۲۵۰ ساله حیات مبارک اهل‌بیت علیه‌السلام حکایت درخشش نوری واحد است به زبان ساده است، لکن شرح و نشان دادن آن با ادله و جزئیات در قالب بیش از ۴ هزار صفحه کتاب و ذیل سرفصل‌های مختلف و با بهره‌گیری از منابع متعدد، کار دشواری است

نمی‌شود و از نقل‌های شاد و روایت‌های غلوآمیز می‌برهیزد. در واقع گروه مؤلفان نیم‌نگاهی هم به مخاطبان غیر شیعه داشته‌اند. علاوه بر آن، «پیشوایان هدایت» سعی کرده زندگی اهل‌بیت علیه‌السلام را به گونه‌ای عقلانی روایت کند تا مخاطبان دانشگاهی که در معرض نظریات جدید علوم انسانی هستند نیز در مواجهه با آن دچار تعارض و ابهام نشوند. مطالعه این دوره هم برای مخاطبان عمومی مفید است و هم برای کسانی که مباحث تاریخ اسلام و زندگی اهل‌بیت علیه‌السلام را تخصصی‌تر دنبال می‌کنند. چه جوانان دبیرستانی و دانشگاهی که می‌خواهند بیشتر از زندگی اهل‌بیت علیه‌السلام بدانند و چه منبری‌ها و اساتید دانشگاه که می‌خواهند در زمینه زندگی پیامبر و ائمه علیه‌السلام مطالبی را به مخاطبان خود عرضه کنند. می‌توانند از این مجموعه استفاده کنند. بویژه از مجلدات مربوط به ائمه بزرگوار است که آثار تحقیقی مختص به آنان در بازار کتاب وجود ندارد یا کمتر است. خوشبختانه نسخه رایگان این مجموعه ذی‌قیمت در اینترنت موجود است.